



در میراث مکتوب اسلامی، آثاری چند به تـكـنگاری درباره قبرستان بقیع و مدفونین در آن اختصاص یافته است که از آن جمله می‌توان به کتاب الروضه المستطابه فیمن دُفن بالبقیع من الصحابه از مؤلفی ناشناس (نگاشته شده در ۱۱۷۵ق) اشاره کرد. اما نخستین و در عین حال مفصل‌ترین تـكـنگاری در این باره، کتاب الروضه الفردوسیه والحضرة القدرسیه اثر جمال‌الدین محمد بن احمد بن امین آقشهری (درگذشته ۷۳۹ق) به شمار می‌آید. منابع زندگی‌نامه آقشهری، آگاهی‌های مفصلی درباره وی به دست نمی‌دهد؛ اما می‌دانیم که او در سال ۶۶۴ یا ۶۶۵ق در «آق‌شهر» در نیمه شرقی ترکیه امروزی به دنیا آمده و در کودکی، با خانواده خود به حرمین مهاجرت کرده است. این منابع گزارش داده‌اند که او در ۶۷۴ق، در ۹ سالگی، در مکه مکرمه به سماع صحیحین اشتغال داشته؛ و در ۶۸۳ق، در ۱۸ سالگی،

در مدینه منوره، کتاب اخبار المدینه ابن نجار را قرائت کرده است. همچنین از گزارش‌های قرائت و سماع کتاب‌ها و اشعار و احادیثی که آقشهری در کتاب *الروضه الفردوسیّه* خود بیان کرده، برمی‌آید که او در حدفاصل سال‌های ۶۹۱ق تا ۷۱۲ق سفرهایی به شام، مصر، شمال آفریقا، مغرب و اندلس داشته و از علمای این مناطق بهره علمی برده است. احتمالاً در پایان ۷۱۲ق به قصد حج به مکه بازگشته و باقی عمر خود را در حرمین به‌سربرده و سرانجام در ۷۳۹ق در مدینه منوره از دنیا رفته است. آقشهری افزون بر کتاب *الروضه الفردوسیّه*، دارای چند تألیف دیگر نیز بوده که امروزه به دست ما نرسیده است. از آن جمله کتاب *منسک القاصد الزائر* است که سمهودی (درگذشته ۹۱۱ق) نسخه آن را به خط مؤلف، در اختیار داشته و در *وفاء الوفاء* خود از آن نقل قول کرده، اما در آتش‌سوزی بزرگ مسجدالنبی در اواخر دوره مملوکی از بین رفته است. همچنین برای وی سفرنامه‌ای مفصل و نیز رساله‌ای در شرح حال برخی علمای مکه گزارش کرده‌اند. *الروضه الفردوسیّه* تنها اثر آقشهری است که متن کامل آن امروزه به دست ما رسیده است. تنها نسخه خطی شناخته شده از این اثر، نسخه‌ای است که مؤلف، کتابت آن را در ۲۷ رجب سال ۷۲۱ق به پایان برده است و در حال حاضر به شماره **Or. quart. 2082** در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود. متن کامل آن نیز به تصحیح قاسم السامرائی، از سوی مؤسسه الفرقان لندن در سال ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م در دو جلد (شامل ۱۴۲۰ صفحه و زبیری) منتشر شده است. آقشهری کتاب خود را به پنج باب تقسیم کرده است: باب اول به زیارت رسول خدا (ص) و زیارت‌نامه‌های مسجدالنبی و زیارت اهل بیت و صحابه ایشان در بقیع و أحد و زیارت‌نامه‌های آنان؛ و باب دوم به سیره اجمالی پیامبر (ص) و شرح حال فرزندان، همسران، غلامان و نزدیکان ایشان و نیز خلفای راشدین اختصاص یافته است. این باب شرح حال مختصر شماری از شخصیت‌های اهل بیت از جمله چهار امام مدفون در بقیع را نیز در بر دارد. موضوع باب سوم کتاب شرح وقایع شهر مدینه در صدر اسلام، همچون جنگ احد، جنگ احزاب و واقعه حرّه است. باب چهارم آن به شرح حال صحابه مدفون در مدینه و قبرستان بقیع؛ و باب پنجم آن نیز به شرح حال شماری از تابعین و محدثان و فقهای سده‌های نخست هجری که در مدینه از دنیا رفته‌اند، اختصاص یافته است. گفتنی است که همه اعلام یاد شده، لزوماً مدفون در بقیع نیستند؛ اما به اعتبار وفات آنها در مدینه، شرح حال آنها در این کتاب آورده شده است. این کتاب را می‌توان به نوعی یک تاریخ محلی مدینه منوره به شمار آورد؛ با این تفاوت که برخلاف «اخبار المدینه»‌های نگاشته شده در سده‌های نخست هجری، که حاوی گزارش‌های تاریخی عمومی درباره این شهر بوده‌اند، و برخلاف تواریخ دوره ایوبی و مملوکی که یا به تاریخ‌نگاری مسجدالنبی و اماکن مقدس این شهر، و یا به تاریخ‌نگاری اعلام و علمای این شهر پرداخته‌اند، این اثر صرفاً به شرح حال مدفونین در این شهر و قبرستان بقیع در چند سده نخست هجری اختصاص یافته است.

کتاب *الروضه الفردوسیّه* آگاهی‌های چندانی در زمینه تاریخ تشیع در مدینه منوره به دست نمی‌دهد. اما مؤلف در باب

نخست کتاب (ص ۲۳۴-۲۳۹)، تحریری از زیارت‌نامه‌ها و ادعیه مسجدالنبی را آورده است که شخصی به نام «نورالدین علی بن صفی‌الدین یوسف بن عزیز مدنی امامی»، در حرم پیامبر (ص) بر وی املا کرده است و این زیارت‌نامه‌ها، از منظر شناخت وضعیت فکری و اجتماعی شیعیان مدینه منوره در زمان مؤلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شخص یاد شده، چنانکه از نسبت «امامی» وی برمی‌آید، از بزرگان شیعه امامیه در مدینه منوره در سده نخست دوره مملوکی است که مورخان مدینه از وی یاد کرده‌اند و گویا به جهت روحیه تسامح و مدارایش با مجاوران حرم نبوی (که عمدتاً از اهل سنت بودند)، وی را بسیار ستوده‌اند (از جمله بنگرید: ابن فرحون، *نصيحة المشاور، تصحيح علي عمر، ص ۲۴۰؛ سخاوی، التحفة اللطيفة فی تاریخ المدینة الشریفة، ج ۵، ص ۲۰۲*). یک نکته قابل توجه درباره این زیارت‌نامه‌ها و ادعیه آن است که با وجود مضامین شیعی متعددی که به وضوح در آنها دیده می‌شود و مصحح کتاب نیز، هم در مقدمه کتاب (ص ۹) و هم در پاورقی متن (ص ۲۳۹) به این نکته اشاره کرده است، بخشی از آن (ص ۲۳۶)، حاوی زیارت‌نامه مختصری برای ابوبکر و عمر دو خلیفه اول و دوم مسلمانان است که در کنار رسول خدا (ص)، درون حجره مطهر ایشان به خاک سپرده شده‌اند. می‌دانیم در سده‌های میانی، تشیع امامی در مدینه منوره گسترش چشمگیری داشته و در دوره ایوبی، شهری شیعه‌نشین به شمار می‌آمده است؛ اما پس از روی کار آمدن حکومت مملوکی، اقداماتی در راستای شیعه‌زدایی از این شهر آغاز شد و در یک سده نخست حاکمیت ممالیک (نیمه دوم سده هفتم و نیمه نخست سده هشتم)، یعنی زمانه و دوره زندگی آقشهری، این شهر روند تحول مذهبی از تشیع به تسنن را شاهد بوده است. در چنین شرایطی، شماری از شخصیت‌های شیعی مدینه منوره که مناصبی همچون قضاوت و ریاست را نیز عهده‌دار بودند، رویکرد تقیه و مدارات را در پیش می‌گرفتند که مورخان مدینه در دوره مملوکی، به نمونه‌هایی از آنها اشاره کرده‌اند^۱. از این رو به نظر می‌رسد تحریر زیارت‌نامه و ادعیه‌ای با رویکرد تقریبی از سوی یک شخصیت شیعه در این دوره را باید در سایه حاکم بودن چنین شرایطی بر فضای مذهبی این شهر تفسیر کرد.

۱. به عنوان نمونه، برای آگاهی از اشاره مورخان به تقیه مهنا بن سنان مدنی (درگذشته ۷۵۴ق)، قاضی و فقیه برجسته امامی در مدینه منوره در سده هشتم بنگرید: ابن فرحون، *نصيحة المشاور، ص ۲۴۷؛ فیروزآبادی، المغانم المطابة فی معالم طابة، ج ۳، ص ۱۳۰۵-۱۳۰۴*.

سایت پژوهشکده حج و زیارت <http://hzrc.ac.ir/post/22042> :

دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۸ ساعت ۷:۴۰